

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شایا: 1735-739X

دوره ۱۴، شماره ۲ (پیاپی ۷۲)، زمستان ۱۴۰۱

Doi: 10.29252/pij.2022.228181.1277

صفحات: ۸۳-۱۱۰

اقتصاد سیاسی توسعه در عراق پساصدام: چرخش سیاسی یا

بازتولید نظم دسترسی محدود^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶ حامد کاظمی*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۸ فرهاد دانش‌نیا**

امیر محمد حاجی یوسفی

چکیده

اضمحلال رژیم بعث و زوال نظم سیاسی مستقر به مثابه یک بزنگاه تاریخی فرصت تحول و تکوین سازوکارهای تحقق بخش تغییرات مطلوب اقتصادی-اجتماعی را پیش روی جامعه و نظام سیاسی عراق قرار داد. با این حال واقعیت‌های این کشور حاکی از پیچیده‌تر شدن وضعیت توسعه ملی عراق در برهه پساصدام است. مسأله پژوهش حاضر رمزگشایی از چگونگی شکل‌گیری سرنوشت موجود و منطق حاکم بر الگوی رکود و شکنندگی فرآیند توسعه اقتصادی در عراق پساصدام است. پرسش اصلی مقاله آن است که قبض و بسط فرآیند توسعه در عراق پساصدام چگونه قابل فهم است؟ فرضیه پژوهش بدین صورت طراحی شده که ستیز نیروهای اجتماعی قدرتمند حاضر در سپهر سیاسی عراق پساصدام مانع چرخش سیاسی-نهادی ضروری برای گذار از وضعیت نظم دسترسی محدود و حصول به توسعه پویای ملی در این کشور شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کنش‌های متقابل نیروهای حاضر در سپهر سیاست‌گذاری اقتصاد سیاسی عراق پساصدام در جهت تمهید صورت‌بندی اندیشه‌ای و نهادی منضبط برای باز نمودن قفل‌های تاریخی و هدایت توسعه اقتصادی در این کشور گام بر نداشته است. متقابلاً بزنگاه تاریخی ناشی از سقوط صدام با بازتولید میراث نهادی گذشته، تشدید رانت‌جویی، گسترش مناسبات قائم به شخص و در نتیجه نابرابری در توزیع درآمدها، افزایش هزینه مبادله و تکوین نظم شکننده در این کشور همراه شده است. پژوهش به روش تاریخی و با اتکاء به منابع و متون نظری، گزارش‌های آماری و تحلیلی موجود صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: عراق پساصدام، اقتصاد سیاسی توسعه، میراث نهادی، نظم دسترسی.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکترای دانشجو با عنوان «اقتصاد سیاسی توسعه در عراق پساصدام از نگاه نظریه نهادگرایی جدید» است.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه رازی، hkazemi1368@yahoo.com

** دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)، f.dnsn@razi.ac.ir

*** دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، am-yousefi@sbu.ac.ir

مقدمه

متعاقب جنگ دوم جهانی حرکت به سمت توسعه در میان کشورهای موسوم به جهان سوم یا در حال توسعه‌ها به گفتمان مسلط تبدیل شده و در برخی کشورها و مناطق تجارب درخشانی رقم خورد. با این حال تجربه و روند تحولات توسعه‌ای بسیاری از کشورها و مناطق نیز چندان رضایت بخش نبوده است. علیرغم برخورداری بسیاری از این کشورها از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مادی و انسانی برای حصول به توسعه، کماکان نوعی بن‌بست توسعه در طیفی از این کشورها و تمعیق شکاف بین آنها با جهان پیشرفته شکل گرفته است. عراق را می‌توان در شمار کشورهای دسته دوم به حساب آورد که فرآیند توسعه ملی آن به‌ویژه متعاقب فروپاشی رژیم صدام حسین وضعیت مبهم و پیچیده پیدا کرده است.

تحولات توسعه‌ای این کشور علیرغم عزم و کمک قدرت‌های خارجی به ویژه مداخلات آمریکایی‌ها طی دو دهه گذشته برای پیشبرد توسعه اقتصادی و دموکراتیزاسیون از بالا و نیز تکاپوهای داخلی در این کشور، کماکان با چالش‌ها و نارسایی‌های توسعه‌ای فراوانی مواجه است. واقعیت آن است که سقوط رژیم بعثی عراق با دخالت خارجی در ابتدای امر، نوید یک چرخش نهادی و برپایی سیستمی دموکراتیک در این کشور را می‌داد. فروپاشی نهادهای سابق زمینه برساخت نهادهایی دموکراتیک و تحولی نوین در سیاست، اقتصاد و جامعه عراقی را فراهم ساخت. اما با گذشت نزدیک به دو دهه از رخداد یاد شده، مسیر تحولات اقتصادی-اجتماعی این کشور به گونه متفاوتی تکوین یافته است.

متعاقب اشغال عراق تا ۲۰۱۹ در نتیجه تعارض و هم‌آوردجویی نیروهایی سیاسی در مقابل یکدیگر، بیش از ۲۷۰۶۴۵ نفر از شهروندان عراقی کشته و میلیون‌ها نفر از سکونتگاه‌های اصلی خود جابجا و آواره شده‌اند. به این مهم باید فقر فراگیر و فلج‌کننده، بیکاری گسترده و نارسایی خدمات اجتماعی و فروپاشی بسیاری از زیرساخت‌های این کشور را طی دو دهه اخیر اضافه کرد (Hamourtziadou and Bulent, 2020). گزارش کمیسیون صداقت عراق^۱ درباره فساد ۱۰ میلیارد دلاری از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ (Hade Hasan, 2020:7) و گزارش سازمان ملل درباره وابستگی شدید اقتصادی عراق به نفت و اشاره به سهم اندک دو درصدی بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی این کشور، گویای نوعی وابستگی به مسیر^۲ و عدم موفقیت تلاش‌ها برای پیشبرد روند توسعه پویای ملی در این کشور بوده است (transparency.org: 2019).

1. Commission of Integrity

2. path Dependency

نتایج معکوس تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته در پرتو مداخلات و کمک‌های بین‌المللی و نیز تکاپوهای داخلی حاکی از پیچیدگی محیط عملیاتی دارد. به نظر می‌رسد بسیاری از ناظران به‌ویژه قدرت‌های خارجی و در رأس آنها آمریکایی‌ها تاکنون به درک درستی از منطق تغییرات یاد شده و علل بازتولید معضله امنیتی و بی‌ثباتی سیاسی - اقتصادی شکل گرفته در این کشور پس از سقوط صدام نرسیده‌اند. از دیگر سو بعد از گذشت دو دهه به آسانی نمی‌توان سیمای فرارو را برای این کشور بحران زده تخمین و ترسیم نمود. از این حیث فهم ریشه‌های تعمیق بحران و چالش‌های توسعه‌ای این کشور در هنگامه بعد از فروپاشی رژیم گذشته تاکنون کماکان جای واکاوی و تأمل دارد.

پرسش راهبردی که در این راستا محور پژوهش حاضر است عبارت از این که قبض و بسط فرآیند توسعه در عراق پساصدام و تعمیق چالش‌های توسعه‌ای این کشور چگونه قابل فهم است؟ فرضیه مقاله بدین صورت طراحی شده که ستیز نیروهای سیاسی قدرتمند حاضر در سپهر سیاسی عراق پساصدام زمینه بازتولید نظم دسترسی محدود و امتناع چرخش نهادی لازم برای برون رفت از تنگناهای توسعه ملی در این کشور را فراهم آورده است. مفروض پژوهش آن است که تسری الگوها و تجارب توسعه‌ای دنیای غرب در جهان غیر غرب لزوماً راهگشای مسایل توسعه‌ای کشورهای متأخر نبوده و در بستر میراث اقتصادی - اجتماعی موجود نتایج بسیاری از اقدامات صورت گرفته به پیچیده تر شدن اوضاع این کشورها و شکل‌گیری چرخه بحران انجامیده است.

ادبیات پژوهش

ابراهیم جاسم جبار و حیدر صباح تواما^۱ (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با نام "واقعیت توسعه اقتصادی در عراق پسا ۲۰۰۳"، پیچیدگی وضعیت اقتصادی عراق را به میراث تاریخی اقتصاد رانتی و عدم سرمایه‌گذاری برای تنوع تولیدی در این کشور پیوند زده‌اند. رئوف و همکارانش در سال ۲۰۱۴ در پژوهشی با نام "شرایط زندگی در عراق: ده سال بعد از حمله آمریکا" نبود یک دولت کارآمد و توانمند که بتواند به صورت فراگیر اقدام و برنامه ریزی کند، را دلیل عمده عدم توسعه اقتصادی و ضعف سیستم بهداشتی این کشور می‌دانند. مازن عیسی الشیخ راضی^۲ و قاسم

1. Ibrahim Jassim Jabbar and Haidar Sabah Tuama

2. Mazen Issa Al-Sheikh Radi

کاظم وحید شتاوی^۱ (۲۰۲۱) در مقاله ”چالش‌های توسعه اقتصادی عراق بعد از ۲۰۰۳: واقعیت و مسیر“ به عدم تعادل ساختاری، عملکرد ضعیف و سطح پایین بهره‌روی به عنوان مهم‌ترین موانع فراروی توسعه اقتصادی این کشور می‌پردازند.

در پژوهش‌های یاد شده مقوله استقرار یک دولت رانتیر، ناکارآمدی نظام حکمرانی عراق، عدم توجه به تنوع تولیدی، عدم تعادل ساختاری و دوام یک خشونت پایدار در عراق پس‌اصدام به عنوان موانع اصلی نافرجامی توسعه اقتصادی در این کشور مطرح شده‌اند از جمله کاستی‌های ادبیات تحقیق موجود در ارتباط با پژوهش حاضر تمرکز بر نقش دولت شکننده و نیز دولت رانتیر و ناکارآمد در تبیین بن بست توسعه در عراق و غفلت از نقش سازمان‌ها و گروه‌های قدرتمند عراقی است که به موازات دولت با تسخیر نهادها و تسلط بر منابع و فرصت‌ها سهم عمده‌ای در شکل‌گیری وضعیت دشواره توسعه در عراق پس‌اصدام ایفا می‌کنند. مقاله پیش رو در تمایز با چنین پژوهش‌هایی، به مقوله بازتولید نظم دسترسی محدود و شکننده و فقدان چرخش نهادی لازم در پرتو کارکرد سازمان‌های قدرتمند در اقتصاد سیاسی عراق پس‌اصدام به عنوان ریشه‌های ناپایداری توسعه در این کشور می‌پردازد. از دیگر جنبه‌های نوآوری پژوهش حاضر بهره‌گیری از آرا نونهادگرایی نظیر داگلاث نورث و مشتاق احمد خان برای فهم تحولات اقتصادی در عراق پس‌اصدام است.

چارچوب مفهومی پژوهش

پیچیده‌تر شدن وضعیت توسعه و تکامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جهان در حال توسعه، روی آوردن به رهیافت‌های جدید از یک سو و تجدیدنظر در قالب‌های تئوریک پیشین از دیگر سو را برای درک علل و چگونگی تعمیق و بسط مشکلات توسعه‌ای این کشورها ضروری ساخته است. نظریه نهادگرایی جدید از جمله رهیافت‌های مورد اقبال صاحب نظران و نیز متولیان توسعه است که تفاوت‌های عملکرد نهادی در کشورهای مختلف را به عنوان عنصر اصلی توسعه و توسعه نیافتگی این کشورها مطرح می‌نماید. داگلاث نورث به عنوان چهره برجسته نهادگرایی جدید به همراه همکاران خود برای تبیین دلایل تفاوت میان جهان توسعه یافته و مناطق فقیر بر اهمیت بی‌بدیل نهادها تأکید می‌کند. نورث توسعه را محصول

1. Qasim Kadhim Waheed SHTAIW

عملکرد نوع خاصی از نهادها می‌داند که صرفاً در ۱۵ الی ۲۵ درصد از کشورهای جهان وجود دارد (North et al, 2008).

از نظر نورث جوامع همواره با یک عدم اطمینان از وضعیت خود در جهان در حال تغییر مواجه‌اند و فلسفه شکل‌گیری ساختارهای نهادی نیز در همین راستا محصول واکنش انسان‌ها و جوامع به نااطمینانی یاد شده و تدوین قواعد و نهادهایی برای مدیریت و برخورد با آن است. در حقیقت ساختاری که انسان‌ها برای نظم بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی - سیاسی خود بنا می‌کنند، عامل اصلی عملکرد اقتصادی موفق یا ناموفق آنهاست. ساختار یاد شده شامل سرمایه فیزیکی یا مصنوعات مادی یعنی ابزارها، فنون و وسایل لازم برای کنترل محیط و نیز سرمایه معنوی یعنی مجموعه باورها و نهادهای منعکس‌کننده آن باورها می‌شود. نکته آنجا است که واکنش انسان‌ها برای کنترل محیط و کاهش نااطمینانی همواره و لزوماً موفقیت‌آمیز نبوده و می‌تواند در بستر میراث گذشته و به شکل منفی تکاپوی بشر برای تکوین نهادها و مدیریت تغییرات اقتصادی - اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد.

وجه منفی و مخرب عملکرد نهادهای متولی توسعه آنجاست که میراث گذشته به شکل وابستگی به مسیر زمینه سوق یافتن ظرفیت نهادی و تعاملات بین انسان‌ها به سمت و سوی ناکارآمد، شخصی و غیر فراگیر را فراهم آورد. در چنین وضعیتی نه تنها نااطمینانی و هزینه بالای مبادله برآمده از آن در تعاملات اقتصادی بهبود نمی‌یابد، بلکه رو به وخامت بیشتری نیز می‌گذارد (نورث، ۱۳۹۶: ۴۵ و ۱۵۱). نورث موفقیت توسعه در مناطقی از جهان و برعکس ناکامی بسیاری از کشورها و مناطق در برخورد با مسایل حیات اقتصادی - اجتماعی خود را از همین منظر و با تمرکز بر مقوله عملکرد نهادها و نحوه مواجهه نخبگان با ظرفیت‌های نهادی موجود تئوریزه می‌کند.

نهادها قراردادهایی برساخته از سوی انسان‌ها هستند که کنش و رفتار آنان را ساختارمند می‌کنند. به بیانی دیگر نهادها قواعد بازی هستند که به دو دسته غیررسمی (هنجارها، عرف، ضوابط رفتاری و...) و رسمی (قواعد، قوانین اساسی) تقسیم می‌شوند. نورث با تفکیک و تفاوت نهاد از سازمان، دومی را مجموعه‌ای متشکل از افرادی دارای منافع مشترک می‌داند که برای دستیابی به هدف مشترک متشکل می‌شوند. سازمان‌ها را می‌توان به انواع سازمان‌های سیاسی (دولت، احزاب، بازیگران سیاسی) اقتصادی (شرکت‌ها، اتحادیه‌ها)، اجتماعی (کلیساها، انجمن‌های ورزشی) و آموزشی (مدارس، دانشگاه‌ها) تقسیم نمود (North, 1994).

نورث در منظومه فکری خویش با طرح مقوله نظم‌های اجتماعی، کارآمدی و کارکرد صحیح نهادها را وابسته به ماهیت نظم موجود در هر جامعه‌ای می‌داند. در سامان فکری نورث نظم‌های اجتماعی به عنوان یک امر زیر بنایی، روبنای نهادی را مفصل‌بندی می‌نمایند. وی با تقسیم‌بندی نظم‌های اجتماعی به نظم‌های دسترسی محدود^۱ (LAO)، و دسترسی باز^۲ (OAO) در صد ارائه پاسخی به مسئله کارآمدی نهادی و نسبت آن با توسعه است (North et al, 2009).

نورث با تشریح وضعیت نظم‌های دسترسی و به ویژه نظم‌های دسترسی محدود معتقد است که منافع متعارض و خشونت‌گرا در این نوع نظم فرصت پویایی و بالندگی را از نهادها سلب می‌نماید. در این چارچوب ائتلافی از نخبگان در راستای منافع گروهی خود حیات و مرگ نهادها در پیکره اجتماع را تعیین می‌کند. در واقع از نظر نورث ائتلاف نخبگان حاکم پایداری نهادها را همسو با منافع ائتلاف را رقم زده و پویایی و تکامل نهادهای فراگیر و موجد توسعه پویا را مسدود می‌نماید. این مهم از نظر نورث مسأله اصلی توسعه و رابطه در جوامع توسعه نیافته است. آنچه که باید بیشتر مد نظر قرار گیرد، گسست در منظومه فکری نورث نسبت به جایگاه نهادها به تبع مطرح نمودن نظم‌های دسترسی بود.

از دیگر ایده‌های محوری نورث تفاوت مقوله هزینه مبادله^۳ در جوامع دسترسی محدود و باز است. به واقع نورث از ایجاد نهادهایی که بتوانند هزینه مبادله را کاهش دهند به عنوان نقطه ثقل توسعه نام می‌برد. از نگاه نورث در نظام‌های دسترسی باز دسترسی به نهادها و حقوق مالکیت برای همه یکسان و قابل حصول است اما در نظام‌های دسترسی محدود دسترسی نهادی صرفاً مختص به نخبگان حاکم است لذا دسترسی به نهادهای اقتصادی برای نخبگان خارج از حلقه قدرت با هزینه‌های گزافی در زمینه مبادله همراه خواهد شد که این امر توسعه متوازن و فراگیر اقتصادی را غیر ممکن می‌سازد (Libecap, 2018).

در این چارچوب است که نورث فهم اینکه قواعد توسط چه کسانی و برای چه کسانی و با چه هدف و انگیزه‌ای وضع می‌شوند را در سرنوشت جوامع مهم می‌داند. در تحقیقات اولیه نورث، نهادها به عنوان متغیری مستقل مطرح گشته و توسعه اقتصادی وابسته به کارکرد نهادی است، اما در تطور فکری نظریه پرداز یاد شده، نهادها از متغیری مستقل به متغیری واسطه تغییر جایگاه

1. limited access order
2. open access order
3. Transaction Costs

می دهند و عملاً کارکرد نهادی در بستر نظم های دسترسی (متغیر مستقل) رقم می خورد. برای نورث تنها در چارچوب نظم دسترسی باز است که هزینه مبادله به شدت کاهش یافته و انسان ها به شکل موفقیت آمیزی با پایه گذاری سازوکارهای بهبود دهنده نااطمینانی محیط و نظم بخشیدن به فعالیت های اقتصادی - سیاسی خود به شکلی پویا، فراگیر و رقابتی نایل می آیند.

از دیگر نهادگرایان و البته با قدری نوآوری در دیدگاه های نورث، نظریه پرداز معروف پاکستانی، مشتاق احمد خان^۱ است. وی مقوله توسعه نیافتگی و علل پیچیده تر شدن فرآیند توسعه ملی بسیاری از کشورها را با تاکید بر ارتباط میان استقرار سیاسی^۲، عملکرد نهادی و توسعه اقتصادی تحلیل و مفهوم سازی می کند (North, 2007, Khan, 2010). نظریه استقرار سیاسی مشتاق احمد خان با برجسته کردن نقش سازمان های قدرتمند و اهمیت توزیع نامتوازن قدرت سازمانی، به رابطه بین نقش آفرینی بازیگران یاد شده و بن بست توسعه و زوال نهادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه می پردازد.

مشتاق خان در فراسوی نظریه نهادگرایی نورث، با ارائه و پرورش مفهوم "استقرار سیاسی" در صدد پاسخ گویی به چرایی کیفیت و کارآمدی و ناکارآمدی نهادهای مشابه در بسترهای سیاسی مختلف بر می آید. خان با تمرکز بر یک پیش زمینه اقتصاد سیاسی بر نقش سازمان های قدرتمند در کیفیت و شکست نهادهای تاکید می کند. از نظر وی نقش گروه های ذی نفع و قدرتمند جامعه عنصر اصلی در کارآمدی یا انحراف نهادی است و نهادهای عملاً یک متغیر وابسته متأثر از توزیع قدرت سازمانی در جامعه محسوب می شوند (Khan, 2018).

خان چارچوب استقرار سیاسی را این گونه تعریف می کند: یک استقرار سیاسی توافقی مداوم بین قدرتمندترین گروه های جامعه بر سر مجموعه ای از نهادهای سیاسی و اقتصادی است که انتظار می رود حداقل سود قابل قبولی برای آنها ایجاد کند و از جنگ داخلی و یا بی نظمی سیاسی و اقتصادی جلوگیری نماید. به عبارت دیگر، استقرار سیاسی ترکیبی از سازش میان قدرت و نهادهاست که از نظر دوام اقتصادی و سیاسی پایدار و با ثبات بوده اند (Khan, 2017). در واقع کشمکش یا تفاهم سازمان های قدرتمند در یک فرآیند طولانی مدت بر سر بود و نبود نهادها، دوام و یا فروپاشی بسترهای لازم برای توسعه را رقم می زند (Khan, 2018).

در کنار مفهوم قدرت سازمانی که به عنوان دال مرکزی در اندیشه خان خود نمایی می کند،

1. Mushtaq H. Khan

2. Political Settlement

تأکید بر وجود زمینه‌ها و بسترهای سیاسی مختلف در جوامع متعدد نکته‌ای قابل تأمل دیگر در بنیان فکری وی برای ریشه‌یابی دلایل ناکامی نهادی در کشورهای توسعه‌نیافته است. خان با مقایسه برخی از کشورهای توسعه‌یافته نظیر کره جنوبی با کشورهای چین، پاکستان و بنگلادش نشان می‌دهد صرف وجود نهادی‌های مشابه در این کشورها دلیلی بر توسعه و عدم توسعه نیست. اگرچه کشورهای مذکور دارای نهادهایی مشابه بوده‌اند، آنچه زمینه‌ساز توسعه در کره جنوبی و بن بست توسعه در پاکستان و بنگلادش در دهه ۱۹۶۰ شد، بسترهای سیاسی متفاوتی بود که در یکی زمینه‌های کارآمدی نهادی و در دیگری انحراف و شکست نهادها را به بار آورده است (Khan, 1999). برآیند تحلیل خان این است که نهادها اثرات قابل تفکیک خطی بر رشد ندارند. با این حال، اگر رشد مجموعه‌ای خطی از تأثیر تعدادی متغیر باشد، اثر مثبت نهادهای خاص ممکن است توسط شرایط نامساعدی چون بی‌ثباتی سیاسی و یا رسوبات فرهنگی از بین برود (Khan, 2010). در سال‌های اخیر مفهوم استقرار سیاسی برای درک سیاست‌های صنعتی یا حمایتی، سیاست‌های بهداشتی و آموزشی، مسائل جنسیتی، نحوه حکمرانی و ... در برخی از کشورها و مناطق به کار گرفته شده است. تلفیق مفاهیم نهادها و نظم نهادی در نظریه نورث با مفهوم استقرار سیاسی نزد احمدخان این امکان را در پژوهش حاضر فراهم می‌آورد که ارتباط دوسویه نهادها و سازمان‌های قدرتمند در عراق پس‌اصدام و نقش و تأثیر چنین روابطی بر پیچیدگی و بغرنج شدن فرآیند توسعه ملی در کشور یاد شده را تجزیه و تحلیل نماید.

سقوط صدام و ظهور استقرار سیاسی جدید

حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، رژیم موجود را که از سال ۱۹۶۸ در قدرت بود، سرنگون نموده و بازیگران، فرآیندها و قواعد بازی نوینی را در سپهر سیاسی و اقتصادی عراق حلقه نمود. روابط قدرت در ابعاد سیاسی و اقتصادی این کشور به شدت تغییر کرد و نخبگان قدیمی به حاشیه رفته یا حذف شدند. تغییر یاد شده اگرچه سریع و ناگهانی بود، ولی فرصت‌هایی را به مثابه یک بزن‌گاه تاریخی برای ایجاد نهادهای سیاسی و اقتصادی نوین ایجاد کرد. البته تغییر رژیم در سال ۲۰۰۳ را می‌بایست نماد یک شوک برون‌زا تلقی نمود، جایی که تغییرات در قوانین، فناوری‌های حکمرانی، کنوانسیون‌ها و سایر نهادهای رسمی از خارج ناشی می‌شود، نه به شکل تغییر درون‌زا که نتیجه مذاکرات بین بازیگران در پاسخ به شرایط جدید اقتصادی و اجتماعی باشد (Yousif and El-Joumayle, 2022: 5-6).

در عراق تحولات نهادی به عنوان امری عادی که نتیجه مناسبات و بده بستان‌های نخبگان داخلی باشد اتفاق نیفتاد و عملاً با شرایط اضطراری مواجه هستیم که در یک تغییر ساختاری ناگهانی از سوی ایالات متحده آمریکا ریشه داشت. اگرچه عراق در برهه قبل از رخداد یاد شده نیز در زمینه کارآمدی نهادی و توسعه فراگیر اقتصادی تجربه رضایت بخشی را پیش رو نمی‌گذارد و تبعات این میراث نهادی در شرایط جدیدی نیز در جهت‌گیری‌های نخبگان قابل رصد است اما به هر حال گسست در نظم غیر پویای مستقر فرصت‌های نوینی را برای ساماندهی به تحولات ساختاری و نهادی فراهم آورد. تدوین قانون اساسی جدید، و مواد مندرج در آن نظیر تصویب قانون بودجه، منع فعالیت نیروهای غیر رسمی، تصویب قوانین نفتی، نحوه تقسیم درآمد، حق خودمختاری مناطق و استان‌ها و انتخابات استانی نشان از یک ساختار جدید دموکراتیک و نهادهایی با کیفیتی داشت که تفاوت‌های استقرار سیاسی جدید با گذشته را به وضوح آشکار نمود. قانون اساسی و سیستمی که به ظاهر بر مبنای نمونه‌های پیشرفته غربی تدوین و پایه‌گذاری شده بود (Haggard and Long, 2007: 4-9).

نیروهای آمریکایی به نحوی شتابان، تغییر و تحولات نهادی را در راستای آشتی ملی و کاهش خشونت در عراق تشویق نمودند. دولت بوش تقسیم قدرت و فدارالیسم را به عنوان اولین نهادهای ضروری برای بر ساخت استقرار سیاسی جدید در عراق پیشنهاد و عملی نمود. استراتژی یاد شده با هدف تغییر ساختار قدرت و حاکم نمودن اکثریت، بر آینده عراق پیگیری شد (Haggard and Long, 2007: 1-48). شمیران ماکو^۱ با اشاره به سیاست‌های آگاهانه تحول نهادی آمریکا در عراق، استدلال می‌کند که در این نسخه ویژه، بسیاری از نهادها بر ساخته گردیدند تا انتقال از یک سیستم سرکوب‌گر به سیستمی لیبرال و دموکراتیک به نحوی پایدار صورت پذیرد (Mako, 2021). اما این فقط صورت ماجرای مداخله و تلاش برای اتصال اقتصاد سیاسی عراق با اقتصاد جهانی بود

واقعیت آن است که در کنار فرصت‌های پیش آمده در خلال اولین هفته‌های بعد از جنگ، آمریکا درگیر وضعیت آشفته‌ای در عراق شد. مهم‌ترین زیرساخت‌های کشور در معرض ویرانی قرار گرفته بود. سیاست‌های اداره موقت ائتلاف (CPA) یا اداره اشغال که رهبری آن با پل برمر^۲ دیپلمات سابق آمریکایی بود، از جمله انحلال ارتش و نهادهای امنیتی یا روند

1. Shamiran mako

2. Paul Bremer

بعثی زدایی، تأثیر عمده‌ای در فضای سیاسی و وخیم شدن اوضاع از لحاظ امنیتی بر جای گذاشت. چه بسا آمریکایی‌ها و سیاست‌مداران نوظهور عراقی در این مقطع به تبعات چنین سیاست‌هایی نیاندیشیده بودند.

در زمان تدوین قانون اساسی جدید، احزابی که نمایندگی گروه‌های مختلف را بر عهده داشتند خیلی سریع حرکت و نیت خویش را به سمت مخالفت با برخی از مفاد قانون اساسی و توزیع قدرت و ثروت افشا نمودند، متعاقب آن در نیمه دوم سال ۲۰۰۳ خشونت‌ها در عراق روند روبه‌تزایدی را تجربه نمود. پل برمر (رئیس نیروهای ائتلاف) در مقابل تهدید بسیاری از احزاب و حتی فشار سیاست‌های داخلی دولت‌های ائتلاف، با بسیاری از خواسته‌های گروه‌ها برای دستیابی به سهمیه‌های جدید کنار آمد. برآیند روند یاد شده تولد و تکوین یک نظام دسترسی محدود شکننده در عراق بود (Hamilton, 2020: 10-12).

قانون اساسی جدید قدرت‌نخبگان جدید را به رسمیت شناخت و قدرت را در اختیار‌نخبگان نوظهور قرار داد. با این حال شکنندگی توافق سیاسی جدید خیلی زود نمایان‌گشت. قبایل سنی مستقر در مرکز عراق که تا قبل از این به رانت‌ها دسترسی گسترده داشتند به صورت فزاینده به حمایت از جنبش‌های شورشی روی آورده و عملاً با توسل به زور برای برهم‌زدن برساخت موجود، نارضایتی خویش از توزیع مجدد قدرت و ثروت در عراق جدید را آشکار نمودند (Dodge et al, 2018: 8-13). این وضعیت را می‌توان همان معادله‌ای دانست که نورث از آن به عنوان سایه خشونت بر توسعه و به مثابه مشکل اصلی توسعه‌نیافتگی بسیاری از جوامع تحلیل و مفهوم‌سازی می‌کند (نورث، ۱۳۹۵).

تکوین نظم دسترسی محدود در اقتصاد سیاسی عراق پس‌اصدام

تبادل توسعه، صلح و کیفیت زندگی جامعه در یک نظام دسترسی محدود مستلزم مشارکت حداکثری همه گروه‌ها در ائتلاف حاکم و ایجاد انگیزه برای رقابتی صلح‌آمیز میان آن‌ها است در این شیوه حکمرانی، ائتلاف حاکم، برآیند حضور همه گروه‌های داراری ظرفیت توسل به زور است که در قبال دریافت رانت، سطح خشونت در جامعه را کاهش می‌دهند (نورث، ۱۳۹۵). تحولات عراق بعد از اشغال این واقعیت مهم را آشکار می‌سازد که هر انتقال تجربه و الگویی به ویژه از جوامع غربی به جهان غیر غرب، لزوماً قرین موفقیت نخواهد بود. تلاش ایالات متحده و نیز نیروهای نوظهور در عراق برای شکل دادن به ساختار نوین قدرت در این کشور یک واقعیت انکارناپذیر

را در عرصه سیاسی و اجتماعی عراق نادیده گرفته بود. مهم‌ترین خصلت جامعه و سیاست در عراق پساصدام، آزادسازی نیروها و جریانات قدرتی بود که در فردای فروپاشی رژیم اقتدارگرایی سابق، عرصه را برای ترکتازی خود مهیا دیده یا دست کم در رتق و فتق امور سیاسی و اقتصادی به جریانات رقیب خود اعتماد کافی نداشتند (Dodge and Mansour, 2020: 58-69).

سقوط رژیم بعثی عراق سیستم تک حزبی غالب در این کشور را به سمت یک سیستم رقابتی حامی پرورانه سوق داد و گروه‌ها و سازمان‌های مختلف قومی، مذهبی و ملی‌گرا نوعی استقرار سیاسی جدید را پایه‌گذاری کردند که گذار از یک سیستم حزبی مرکزگرا و نظام پارلمانی هم‌سو به سوی یک توافق و استقرار سیاسی با ائتلاف احزاب متعدد مشخصه برجسته آن بوده است. تجزیه سازمان‌های سیاسی و استقرار سیاسی قدیم منجر به این امر گردید که ائتلاف جدید به دلیل دامنه و تنوع زیاد سازمان‌ها و گروه‌های قدرتمند نوظهور، منابع و رانت بیشتری را به سمت این گروه‌ها جهت تشکیل و پایداری ائتلافات سیاسی گسیل نماید.

توانایی این گروه‌ها در دسترسی ترجیحی به قراردادهای کسب رانت نفتی، امکان اشتغال‌زایی برای حامیان، بسیج طرفداران و ... زمینه گسست نهادی در عراق را فراهم نموده و نهادها عملاً در راستای منافع سازمان‌های قدرتمند تسخیر و بکار گرفته شدند. حزب دموکرات کردستان، اتحادیه میهنی کردستان، شورای عالی انقلاب اسلامی، حزب الدعوه عراق، حزب اسلامی عراق، حزب توافق ملی عراق به رهبری ایاد العلاوی و شورای ملی عراق از مهم‌ترین نیروها و سازمان‌هایی بودند که با ساقط شدن رژیم بعثی به کنشگران اصلی سپهر سیاسی و اقتصادی عراق تبدیل شدند. متعاقب حمله داعش به عراق در کنار گروه‌های شبه نظامی غیر قانونی (بعثی‌ها، القاعده، داعش)، گروه‌های متعدد و مختلف نظامی دیگری نیز، فرصت ظهور و بروز یافتند که کماکان تأثیر چشمگیری بر مسائل اقتصادی سیاسی و توسعه در عراق دارند. از جمله این گروه‌ها و جریانات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

– گروه‌های مسلح جدیدی که به ویژه در پاسخ به فتوای آیت الله سید علی سیستانی برای مبارزه با داعش تشکیل و ساماندهی شدند (حشد الشعبی). تعداد اعضای نیروهای حشد الشعبی حدود ۶۰ هزار تا ۱۴۱ هزار نفر تخمین زده شده است (Abbas, 2017).

– بسیاری از گروه‌های کوچک‌تر که بر مدار خطوط قبیله‌ای در سراسر عراق ظهور یافتند و صرفاً با ملاحظات امنیتی محلی اداره می‌شوند.

– گروه متمایزی که در مناطق ترکمن فعالیت می‌کنند.

در مواجهه ائتلاف حاکم و نیروهای بیرون از قدرت در بازه‌های زمانی مختلف، پیکربندی جدید اقتصادی و سیاسی در عراق به صحنه هم‌آورد جویی سیاسی و توزیع غیر فراگیر منابع و فرصت‌های اقتصادی تبدیل گردید. اگرچه پس از ساقط شدن رژیم بعثی و با زمامداری پل برمر و نیز طرح ابراهیمی نماینده ویژه سازمان ملل در عراق برای ایجاد یک دولت تکنوکرات به جای شورای رهبری تکاپوهایی برای شکل دادن به یک نظم سیاسی فراگیر و کنترل نیروها و جریان‌ات قدرتمند عراقی به عمل آمد اما با مخالفت شدید شش حزب اصلی (شورای رهبری) مواجه گشت. در ژانویه ۲۰۰۵ ائتلاف نخبگان توانست با تأکید و اتکا به سهمیه‌بندی صلاح الدین، کنترل خود را بر اهرم‌های حاکمیتی دولت تقویت کند. جلوگیری از حضور افراد مستقل برای مشارکت در انتخابات و سایر گروه‌های سیاسی بخشی از روند ائتلاف نخبگان حاکم با نیروهای خارج از قدرت بود که تحکیم قدرت نیروهای عضو ائتلاف حاکم را به همراه داشت (Almagtome et al, 2019).

اتکای بیش از حد استقرار سیاسی عراق بر درآمدهای نفتی و دست‌اندازی نیروهای سیاسی به چنین غنیمتی، شاکله‌های یک نظم دسترسی محدود و شکننده را تکوین نمود و توزیع رانت به عنصر اصلی برقراری ثبات و نظم در این کشور تبدیل گشت. در این راستا نهادهای جدید به نفع برنامه‌های مقطعی و به ضرر توسعه پایدار مفصل‌بندی گردیدند (Almagtome et al, 2019). با ضعف نهادها در حوزه اقتصاد سیاسی، اقتصاد غیر رسمی بر اقتصاد رسمی مبتنی بر کنشگری بخش خصوصی رقابتی چیره گشت. اقتصادی که به نحوی مستعد بازی‌های جناحی بود و نزدیک به ۷۵ درصد از فعالیت‌های اقتصادی عراق را تشکیل می‌داد که از آن به عنوان "بازار خاکستری" یاد می‌شود (Madhir, 2018).

می‌توان اذعان نمود که گذار دموکراتیک در عراق اگرچه در عرصه سیاسی به فراگیری نهادهای سیاسی متکثری منجر گردید، اما در زمینه اقتصادی، فراگیری نهادی جهت توزیع متوازن ثروت میان همه گروه‌های دارای ظرفیت خشونت تحقق نیافت و عملاً نهادهای اقتصادی به نفع منافع برخی سازمان‌ها تسخیر و بازتولید گشته و سایر نیروهای طرد گشته در دسترسی به فرصت‌های اقتصادی با ناکامی مواجه شدند. بدین ترتیب ساختار نهادی نوپا، اگرچه با وجود فراگیری سیاسی روندی مثبتی را برای گذار به یک نظم دسترسی باز نوید می‌داد اما تنگنای نهادی در عرصه اقتصادی و عدم دسترسی متوازن همه گروه‌های قدرتمند به نهادهای اقتصادی، به تقابل نیروهای توانمند در این کشور دامن زد. برآیند وضعیت یاد

شده فرسایش قدرت و توان دولت در برابر نیروهای محروم از رانت و تسهیل فرآیند سوق یافتن عراق به مسیر یک نظم دسترسی محدود شکننده بوده است

سیاست گذاری توسعه در بستر نظم نهادین شکننده در عراق پساصدام

واقعیت‌های تاریخی نشانگر آن است که عراق در گذشته نیز، تجربه کارآمدی نهادی به شیوه مدرن را پیش‌رو قرار نمی‌دهد. تصمیمات اقتصادی بنیادی در نهادهای دولتی عمدتاً از میراث نهادی عراق در اشکال قبلی آن اقتباس شده است. نکته حائز اهمیت آن است که تحلیل مقوله توسعه عراق قابل تقلیل به مقوله اقتصاد یا سیاست نیست، بلکه زوایای درهم تنیده پیدا و پنهان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارد (Al Musawi et al, 2020: 207-221). اقتصاد مبتنی بر نفت قدرت اقتصادی را در دست نخبگان سیاسی متمرکز کرده است. رشد بخش خصوصی و به ویژه حیطه‌های خارج از حوزه نفت، توسط سلطه شرکت‌های دولتی، مقررات محدودکننده، عدم دسترسی به منابع مالی، کمبود نیروی متخصص و زیرساخت‌های ناکافی محدود شده است (Idris, 2018: 9-10).

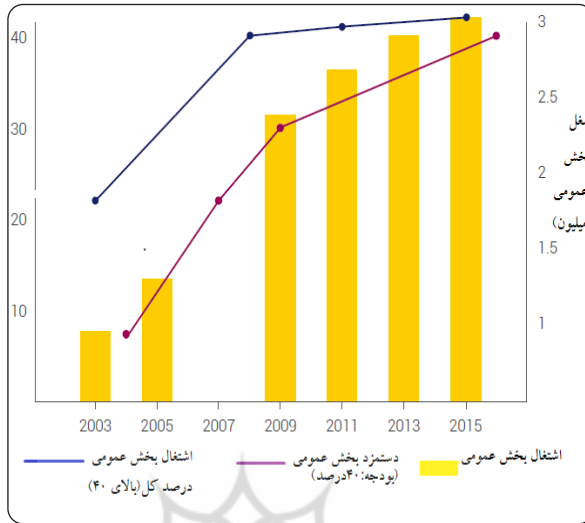
مفاد قانون اساسی عراق نوین نیز، با به رسمیت شناختن کنترل منابع و درآمدهای نفتی به ویژه برای کردها در شمال و شیعیان در جنوب (که بزرگترین منابع نفت و گاز عراق در آن است) دلیلی بر اهمیت ملاحظات بخشی و قدرت و نقش آفرینی گروه‌ها و سازمان‌ها در تدوین پروسه قانون اساسی است (Kouti, 2016: 19-30). در عراق پساصدام، نفت به عنوان یک غنیمت از سوی سازمان‌های قدرتمند تملک گشته و به مبنای شکل‌گیری نوعی از مناسبات غیر توسعه‌ای میان سازمان‌ها تبدیل شده است.

در اینجا دولت به عنوان سازمان سازمان‌ها در میانه تعارضات، حتی برخلاف دولت رانتیر فاقد تمرکز کامل بر منابع نفتی در کشور بوده و کیک بر آمده از ثروت نفتی به کالایی جهت رضایت‌مندی نیروها برای عدم توسل آنها به خشونت تبدیل گردیده است. قانون اساسی عراق اولین قربانی نهادی در استقرار سیاسی جدید است. فرازهای اصلی در قانون اساسی که عبارتند از: تشکیل مناطق (ماده ۱۱۹)، مناطق مورد مناقشه (ماده ۱۴۰)، قدرت دادگاه عالی فدرال (ماده ۱۹۲)، اکتشاف میادین نفت و گاز (ماده ۱۱۲) گارد ملی (ماده ۱۲۱) و نقش کمیسیون‌های مستقل (ماده ۱۰۲) هم‌چنان به عنوان منبع اصلی مناقشه در میان نخبگان ملی و نخبگان ملی پایدار مانده است (Mansour A, 2018: 24-25).

اگرچه در عراق پساصدام تغییرات زیادی ایجاد شده و هویت مدنی (وسیاست‌های غیر فرقه‌ای) تا حدودی بهبود یافته، اما ضعف استقلال نهادی به واسطه تکثر نیروها، هم‌چنان شکاف‌های جناحی و فرقه‌ای را بازتولید نموده و به هنگام تشکیل دولت‌ها، سهم‌خواهی احزاب و سازمان‌های سیاسی، مقوله توسعه و برنامه‌های توسعه را در یک ناهماهنگی مداوم آشفته می‌سازد (Mansour B, 2018). نمونه این مهم را در جریان انتخابات اخیر این کشور و شکل گرفتن وضعیت امتناع در انتخاب دولت جدید در عراق علیرغم سپری شدن ماه‌ها از برگزاری انتخابات پارلمان می‌توان مشاهده نمود. ارتباط دو سویه میان سازمان‌ها و کارگزاران قدرت در عراق به اختصاص بودجه‌های هنگفت خارج از مدار قانون و افزایش اشتغال در بخش عمومی در این کشور انجامیده است. اخراج ۱۲۰،۰۰۰ معلم و پزشک و کارمندان دولتی پس از سال ۲۰۰۳. (Yousif, 2016: 26).

فرصت کافی برای سازمان‌ها و ائتلاف‌های حامی پرور را فراهم آورد که با استخدام نیروهای حامی در بخش‌های دولتی، بخش عمومی را به شدت متورم نمایند به گونه‌ای که حقوق آنها ۸۰٪ از بودجه برخی وزارتخانه‌ها را تشکیل می‌دهد (Hadad, 2017). بعلاوه پس از انتخابات ۲۰۱۸، جهت تشکیل دولت آینده، علاوه بر وزارتخانه‌ها، اعطای تقریباً ۸۰۰ شغل ارشد خدمات کشوری به حامیان، که در اکثر وزارتخانه‌ها تعریف شده بودند، بخشی از مذاکرات میان ائتلافات و احزاب سیاسی بود. متعاقب این امر و در پی تصمیم وزرا بسیاری از پیروان احزاب و اعضای فراکسیون‌ها در لیست حقوق بگیران قرار گرفتند. میزان تراکم بخش دولتی در اقتصاد سیاسی عراق را می‌توان در رشد سریع پرداخت حقوق و دستمزد دولت در سال ۲۰۰۳ به بعد مشاهده کرد، که از ۸۵۰،۰۰۰ کارمند در سال ۲۰۰۴ به هفت تانه میلیون نفر در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است (Dodge, 2019).

نمودار شماره ۱: تورم بخش دولتی در اقتصاد سیاسی عراق پساصدام



Source: Krishnan et al, 2014: 8

نمودار بالا نتایج چانه زنی نیروهای ائتلاف مسلط را در افزایش افسارگسیخته بخش دولتی و فربه شدن آن نشان می دهد. سهم هزینه های بخش دولتی که با نسبت مخارج عمومی در عراق ۱/۶۱٪ از تولید ناخالص داخلی است. این نرخ یکی از بالاترین سطح هزینه های بخش دولتی در منطقه خاورمیانه است. بخش دولتی با تقریباً ۴ میلیون کارمند نیمی از کل اشتغال این کشور را تشکیل می دهد (Krishnan et al, 2014: 8). این رقم در سال ۲۰۱۶ به هفت تا نه میلیون نفر افزایش یافت. آنچه به روند گستردگی بخش دولتی شتاب می بخشد، سیستم مبتنی بر تقسیم قدرت و ثروت به شکل فرقه ای در عراق است که دسترسی احزاب به رانت های دولتی را تسهیل نموده و نیروهای قدرتمند نیز برای کسب رای و حمایت مشتریان با جذب آن ها در بخش دولتی، پاسخ پیروی و حمایت را می دهند.

از موارد برجسته در عراق مربوط به هزینه مبادله برای نخبگان خارج از ائتلاف است که عملاً دسترسی نهادی برای آنان مسدود است یا در صورت دسترسی هر چند محدود، نخبگان غیر سیستمی باید هزینه های گزافی را در مبادلات متقبل شوند. در شرایط موجود، حقوق مالکیت و حاکمیت قانون غالباً برای نخبگان مسلط در قدرت قابل اعمال است و دسترسی سایر

نیروها توسط قوانین و هنجارهایی محدود می‌شود که بیشتر به ائتلاف حاکم اجازه می‌دهد در تجارت یا ایجاد یا تسلط بر شرکت‌ها، قراردادها، اتحادیه‌ها، احزاب سیاسی، باشگاه‌ها و سایر سازمان‌ها نقش آفرینی کنند. در زمینه حق دسترسی به قرار داده‌ها در عراق باید اذعان نمود که، تملک بودجه و منابع رانتهی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت به شدت محدود و در تنگنا قرار دارد. در همین حال، بیشتر قراردادهای عمومی برای توسعه بخش صنعت به شرکت‌های مرتبط با ائتلاف قدرت و سازمان‌های قدرتمند اعطا گردیده و دسترسی و فرصت سرمایه‌گذاری سایر بازیگران محدود است (Iraq: Systematic Country Diagnostic, 2017).

یکی از شرکت‌های قدرتمند مرتبط به احزاب و نیروهای قدرتمند عراقی "شرکت شل" است که معمولاً با توجه به نفوذی که دارد طرف اصلی قراردادهای دولت محسوب می‌شود و با وجود پرداخت‌های کامل دولت عراق، عملاً بسیاری از پروژه‌های این شرکت به صورت ناتمام باقی مانده‌اند (Cockburn, 2013). در عراق اکثریت قراردادها توسط احزاب سیاسی کنترل می‌شوند که یا آنها را به حراج گذاشته یا شرکت‌های ویژه را برای اعطای قرارداد به خود تأسیس می‌کنند (Crocker, 217).

توبای داج^۱ با اشاره به نقش رهبران فرقه‌گرا اذعان می‌کند که قراردادها غالباً با شرکت‌هایی منعقد می‌شوند که اداره آن‌ها در دست سیاستمداران ارشد عراقی است یا اینکه بسیار به آنها نزدیک هستند. بنابراین ائتلاف‌های حاکم به واسطه کسب منفعت و ثروت فراوان و به عنوان برنده اصلی چنین قراردادهایی عملاً به محافظان شرکت‌ها تبدیل می‌شوند (قراردادهای میان اقلیم کردستان با شرکت شورن آمریکا به مدت ۳۵ سال در زمینه توسعه میدان‌های نفتی و قرارداد دیگر با "شرکت روس نفت" روسیه در زمینه اکتشاف با پشتوانه و حمایت حزب دموکرات) (Dodge, 2019). رناد منصور^۲ از وضعیت حاکم در عراق به عنوان یک معامله تجاری میان رهبران احزاب یاد می‌کند که برای تقسیم پست‌ها، توزیع قدرت، تقسیم وزارت‌خانه‌ها و توزیع رانت هر چند سال یک بار بده بستان صورت می‌گیرد (Mansour, 2019).

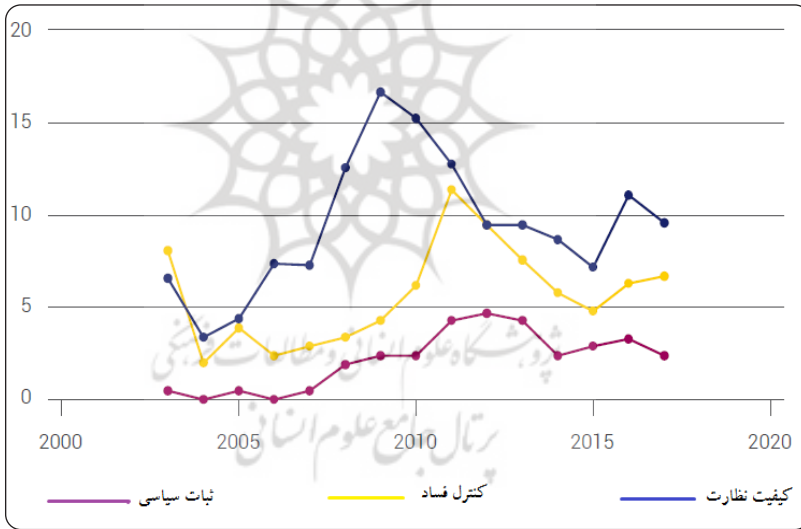
بر اساس گزارش‌ها در استقرار سیاسی عراق پس‌اصدام به واسطه گسست نهادهای کارآمد و ضعف نظارت دقیق، ۲۵ درصد از کل بودجه این کشور در جریان بده بستان مالی بلعیده می‌شود (Abdullah, 2018). ائتلاف حاکم و گروه‌های قدرتمند در یک مشارکت مبتنی بر تقسیم رانت با

1. Toby Dadge

2. Renad Mansour

تسخیر سرمایه‌های اقتصادی جامعه، بودجه‌های احزاب را تأمین و به واسطه چنین سرمایه‌هایی به سمت تسلط بر حوزه سیاسی اقدام می‌کنند (Ismael and Ismael, 2015: 116-122). سازمان شفافیت بین‌الملل، عراق را به عنوان یازدهمین کشور فاسد جهان در سال ۲۰۱۷ ارزیابی می‌کند. فساد به عنوان مانع اصلی رشد، توسعه و شکوفایی در عراق عمل می‌کند. در نتیجه معضل یاد شده، عراق کماکان با مشکلات زیر ساختی متعددی چون جاده‌ها، مدارس و بیمارستان‌های ناتمام مواجه است (Azize, 2017). در آخرین رتبه‌بندی فساد عراق رتبه ۱۵۷ را به خود اختصاص داده است (Transparency International, 2022). نمودار زیر شاخص‌های حکمرانی خوب یعنی کیفیت نظارت، کنترل فساد و ثبات سیاسی در عراق را بر مبنای گزارش بانک جهانی ترسیم نموده است.

نمودار شماره ۲: وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب در عراق



source: World Bank, 2019

نمودار بالا سطح تنزل کیفیت حکمرانی در عراق را نشان می‌دهد که چگونه این کشور در دوران پساصدام در زمینه مبارزه با فساد، ایجاد ثبات و نظارت بر قوانین و مقررات تقریباً ناکام مانده است و با وجود مقاطعی هر چند کوتاه در بهبود نسبی شاخص‌های یاد شده، اما

روند کلی از بحران حکمرانی در این کشور حکایت دارد. همان‌طور که نمودار نشان می‌دهد نمره شاخص کیفیت نظارت در این عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ علیرغم بهبودی در برخی مقاطع، همواره با تنزل همراه بوده و اغلب زیر عدد ۵ از ۲۰ بوده است. نمره کنترل فساد در سال ۲۰۰۳ حدود ۸ از ۲۰ است. در ۲۰۰۴ به ۲ کاهش پیدا می‌کند. اما از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ روند صعودی را طی می‌کند که حاکی از افزایش میزان نظارت در عراق است. از ۲۰۱۱ به بعد بار دیگر این شاخص با افت مواجه گشته و در ۲۰۱۵ به زیر ۵ می‌رسد. وضعیت ثبات سیاسی در عراق به عنوان سومین شاخص در همه سال‌ها بدترین وضعیت را داشته و در برخی برهه‌ها از جمله با پدیدار گشتن جنگ‌های سال ۲۰۰۶ و ظهور داعش در ۲۰۱۳ به عدد صفر می‌رسد. درکل شاخص‌های یاد شده در عراق گواهی بر بحران حکمرانی و شکنندگی اقتصاد سیاسی این کشور است.

قاضی راهی حمزه الراهی^۱ به عنوان ارشدترین شخصیت دولتی مبارزه با فساد در دوران استقرار سیاسی جدید این کشور از "قراردادهای دولتی" به عنوان پدر همه فسادهای در عراق یاد می‌کند (Special Inspector General for Iraq Reconstruction, 2011). سازگاری نهادها با منفعت سازمانی و توزیع قدرت در عراق پس‌اصدام پیکربندی سیاسی جدید را به سمت تامین منافع کوتاه مدت و مشتری مدارانه سوق داد. مقاومت سازمان‌ها در برابر کارکرد توسعه‌گرای نهادها وضعیت انحراف و شکنندگی نهادی در عراق را رقم زد (Mansour, 2018). ظهور داعش و خیزش‌های اعتراضات پی در پی مردمی در دوران پس‌داعش را می‌بایست از عواقب سلطه سازمان‌های نیرومند عراقی بر حیات سیاسی و اقتصادی این کشور تلقی نمود. گماردن افراد وفادار به ائتلاف حاکم در مناصب مهم امنیتی، جلوگیری از اجرایی شدن بسیاری از مواد قانون اساسی چون تمرکززدایی و افزایش اختیارات استانی به بیگانگی و حس کینه توزی در میان اعراب سنی عراق دامن زد و در سال ۲۰۱۳ در نبرد مسلحانه داعش و تصرف بسیاری از مناطق سنی نشین عراق نمود عینی یافت (Costantin, 2018). انحراف نهادی و عدم اجرایی شدن دقیق قانون اساسی زمینه نظامی‌گری و رادیکالیزه شدن جامعه عراق را فراهم آورد. شمیران ماکو انحطاط اقتصادی و سیاسی عراق را با تغییر نهادی و ایجاد نهادهایی جدید که فرقه‌گرایی را در کانون روابط جدید قرار داد پیونده زده

1. Radhi Hamza al-Radhi

است که نتیجه چنین اقداماتی نهادینه شدن الگوهای محرومیت و سلطه قومی بوده است (Mako, 2019).

وابستگی شدید اقتصادی عراق به منابع نفتی در سال ۲۰۱۹ به ۹۵ درصد افزایش یافته است. این امر حاکی از ضعف تنوع تولید و بهره‌وری در اقتصاد عراق است. سهم ۲ درصدی بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی نشانگر رکودی عظیم در سایر بخش‌های غیر نفتی عراق است. از سوی دیگر سهم ۴ درصدی مالیات در درآمدهای عمومی نقش ضعیف درآمدهای مالیاتی در درآمدهای کلی عراق برجسته می‌نماید. جدیدترین آمار رسمی حول محور مسئله بیکاری و فقر نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در عراق ۱۴٪ از نیروی کار است. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله به بیش از ۳۴٪ رسیده است. اگر کم‌کاری نیز به این نرخ اضافه شود، این میزان به حدود ۴۰٪ افزایش می‌یابد. عراق از کمترین نسبت اشتغال به جمعیت در منطقه برخوردار است و بحران سال ۲۰۱۴ منجر به کاهش تخمینی ۸۰۰۰۰۰ هزار شغل در این کشور شده است. در همین حال، سطح فقر تا ۲۰٪ از کل جمعیت را در بر می‌گیرد. به لحاظ میزان سرمایه‌گذاری خارجی و محیط مساعد برای سرمایه‌گذاری در بین ۱۹۰ کشور جهان، عراق رتبه ۱۷۲ را به خود اختصاص داده است (Hade Hasan, 2020:1-26).

جنگ‌های داخلی و درگیری با داعش و ناامنی گسترده یک بحران بزرگ انسانی و اقتصادی ایجاد کرده است. از سال ۲۰۱۴، جنگ علیه داعش جان بیش از ۶۷۰۰۰ غیرنظامی عراقی را گرفته است. این جنگ با آوارگی داخلی بیش از سه میلیون نفر در سراسر عراق و افزایش سریع فقر و آسیب‌های اجتماعی همراه بوده است. برآوردهای اخیر نشان می‌دهد بیش از ۸/۷ میلیون عراقی (۲۲/۵ درصد مردم) در حال حاضر به کمک‌های بشردوستانه وابسته‌اند. درگیری با داعش و ناامنی گسترده همچنین باعث از بین رفتن زیرساخت‌ها و دارایی‌ها در مناطق تحت کنترل داعش شده است. مسیرهای تجاری قطع یا به شدت محدود شده و اعتماد سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان کاهش یافته است. تولید محصولات کشاورزی ۴۰ درصد تنزل یافته است و تامین غذای مورد نیاز کشور با نارسایی مواجه است. در این راستا صدها هزار نفر مجبور شده‌اند برای شغل و پشتیبانی به مناطق شهری مهاجرت کنند (Bandiera, et al, 2018).

جدول شماره ۱. هزینه‌های جاری در ژانویه ۲۰۲۰ در عراق

مولفه‌ها	هزینه‌ها (میلیارد دینار)	درصد کل هزینه‌ها
حقوق کارمندان	۳۳۳۴	۶۵٫۶
نیازمندی‌های خدماتی	۸٫۸	۰٫۲
نیازمندی در حوزه کالا	۵۹٫۱	۱٫۲
حفظ یا نگهداشت دارایی	۵٫۹	۰٫۱
هزینه‌های سرمایه‌ای	۲٫۳	۰٫۰
پاداش، مزایا و خدمات بدهی	۶۴۴٫۸	۱۲٫۷
تعهدات و کمک‌های خارجی	۰٫۰	۰٫۰
برنامه‌های ویژه	۱٫۴	۰٫۰
رفاه اجتماعی	۱۰٫۳۲	۲۰٫۳
کل	۵۰۸۸	۱۰۰٫۰

source: Iraqi Ministry of Finance website, <https://bit.ly/2ZP9BPi>

داده‌های جدول بالا در خصوص هزینه‌های عمومی عراق نشانگر عدم توسعه نیافتگی و سطح نازل رفاه اجتماعی در این کشور است. سهم ۶۵ درصد حقوق کارمندان بخش دولتی عراق معدلی از یک نظام حامی پرور در این کشور است. حوزه عمومی به عرصه زد و بندهای سیاسی احزاب برای امتیاز دهی به حامیان تبدیل شده است. شاخص برجسته دیگر میزان امتیازات و پاداش است که سهم ۲۰ درصدی از هزینه‌های عمومی در عراق را به خود اختصاص داده است. چنین شاخصی در پیوند با شاخص اول یعنی حقوق کارمندان و به نوعی توزیع ثروت بر اساس خطوط ائتلاف حاکم است. سایر شاخص‌ها که در ارتباط با مسئله توسعه اقتصادی هستند فقط ۲۰ درصد از کل هزینه‌های عمومی در عراق را در بر می‌گیرند که گواهی بر تعلیق توسعه و عدم اولویت آن در استراتژی‌های نیروهای سیاسی است. نشانگان اقتصادی یاد شده به خوبی بیانگر نقش برتر نیروها و سازمان‌های دارای ظرفیت توسل به زور به عنوان مانع و عامل عقب‌گرد اقتصادی در عراق است.

برایند ساختار نهادی موجود در مواجهه با مسایل توسعه در این کشور، تسخیر منابع

اقتصادی از سوی گروه‌های قدرتمندی است که در قالب ائتلاف نخبگان حاکم، زایش یک نظام حامی پرور، اقتصاد رانتی و بخش نگر، بخش دولتی متورم و ایجاد دولتی فرسوده و ناتوان را رقم زده که در سایه جولان سازمان‌های قدرتمند عراقی عملاً فاقد کارکردهای یک دولت مدرن می‌باشند. چنین ویژگی‌هایی که در دوران پساصدام در ساحت سیاسی اقتصادی عراق ظهور و بروز یافت بسیاری از گروه‌های محروم از رانت را در اتحادی راهبردی در قالب داعش برای برهم زدن قواعد بازی دور هم جمع نمود که فرجام آن فروپاشی ائتلاف‌های نخبگی و بازگشت عراق به نظمی شکننده بوده است. تداوم نظم نابالغ در برههٔ پسا داعش نیز در عراق کماکان از سوی نیروها و سازمان‌های قدرتمند نوظهور در معرض آماج و تهدید بوده و سایه خشونت همچنان روند پایدار خود را در این کشور حفظ نموده است. درگیری‌ها اخیر در عراق میان سازمان‌های صاحب نفوذ متعاقب انتخابات ۲۰۲۱ در کشور که منجر به کشته شدن ۳۰ نفر از طرفین شد گواهی بر تعارض خشونت بار منافع نیروهای سهم خواه در پهنه سیاسی عراق است که دولت را به سازمانی شکننده در میانه رقابت‌های سایر سازمان‌ها تبدیل نموده است (Bobseine, 2022: 1-9).

تکوین وضعیت دشواره توسعه و شکاف دولت / جامعه در عراق پساصدام

از زمان سقوط صدام پیشرفت‌های اقتصادی و روند اصلاحات به کندی و به آهنگ ضعیفی پیش رفته است. ساختارهای نهادی کماکان ضعیف و در وضعیت انفعال مانده‌اند. بخشی نگری و فرقه‌گرایی هم‌چنان نقش اصلی را در تصمیمات سیاسی ایفا می‌کند. این امر به یک شکاف عمده میان ائتلاف حاکم و شهروندان عراقی منجر شده و نتیجه آن فروپاشی زیرساخت‌ها و نارضایتی گسترده جامعه از استقرار سیاسی جدید است (Nore and Abdul Ghani, 2009:1-12). برآیند وضعیت یاد شده اعتراضات مداوم در سال ۲۰۱۱، ۲۰۱۵، ۲۰۱۸، ۲۰۲۰، ۲۰۲۱ و اکنون در ۲۰۲۲ است. در تازه‌ترین هم‌آورد جویی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، معترضین، نظم سیاسی مستقر و ائتلاف حاکم را به واسطه عملکرد نامناسب مورد بازخواست قرار داده و علی‌رغم مقاومت نیروهای نظامی، وارد منطقه سبز بغداد و تسخیر پارلمان این کشور شدند (Dodg, 2019).

نظام سیاسی عراق ۱۸ سال بعد از سقوط صدام حسین همواره آماج اعتراضات مردم در ۲۰۱۱، جنبش توده‌ای ۲۰۱۵، اعتراضات ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ بوده که نمایانگر ضعف مشروعیت پایدار دولت و نخبگان قدرت در عراق است (Salloukh, 2019). سیر نزولی مشارکت‌های

مردمی در انتخابات برگزار شده در این کشور طی دو دهه اخیر گویای بحران مشروعیت مردمی سیستم سیاسی حاکم بر عراق است. کاهش مداوم مشارکت انتخاباتی از ۷۹/۶٪ در دسامبر ۲۰۰۵، به پایین‌ترین میزان، ۴۱٪ در سال ۲۰۲۱، منعکس‌کننده گسست دولت و جامعه و بن بست توسعه در این کشور است (Al-Hurra, 2021).

نتیجه‌گیری

بازتولید چرخه بحران و سوق یافتن تدریجی به سمت زوال کل زیرساخت‌های کشور مهم‌ترین مختصات اقتصاد سیاسی عراق در دو دهه بعد از اشغال این کشور توسط آمریکایی‌ها است. شواهد تحقق آغاز پایان نظم سیاسی-اقتصادی مورد نظر آمریکایی در عراق بیش از هر زمان نمایان شده است. کانون دغدغه مقاله حاضر مفهوم‌سازی چرخه بحران و ریشه‌یابی علل تعمیق چالش‌های اقتصاد سیاسی توسعه در عراق پس‌اصدام بوده است. پژوهش با رویکردی تحلیلی و رجوع به پیکره‌بندی سیاسی و اقتصادی پایه‌ریزی شده متعاقب مداخله آمریکا در عراق، نقش نیروهای سیاسی و سازمان‌های قدرتمند نوظهور را به عنوان متغیر اصلی در پیچیدگی و بغرنج شدن فرآیند توسعه این کشور مفهوم‌سازی نمود.

در این پژوهش کوشیده شد تا پیوند انحراف نهادی و ناپایداری توسعه در عراق با الگوی سازماندهی و سیاست‌ورزی نیروهای قدرتمند حاضر در سپهر سیاسی و سازمانی این کشور را آشکار سازد. اگرچه در ابتدا تکوین نهادهای دموکراتیک در عراق جدید و حرکت به سمت یک سیستم سیاسی تکثرگرا نوید بخش دورانی جدید و آینده‌ای توسعه یافته برای عراق بود، اما یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حضور سازمان‌های قدرتمند و نیروهای دارای ظرفیت توسل به خشونت در بستر نهادین جدید در عراق، عملکرد نهادهای نوظهور و استقرار یافته را مختل نموده و مقوله توسعه ملی را در این کشور با امتناع مواجه ساخت. بر این اساس نهادها در عراق پس‌اصدام از بدو تولد قربانی منافع و سهم‌خواهی گروه‌ها و سازمان‌های نوظهور شدند و به ابزار تامین منافع سازمان‌های قدرتمند تبدیل گردیدند.

ائتلاف حاکم در عراق نیز به واسطه ترس از دست دادن قدرت و وجود چنین رقبای قدرتمند، در یک بده بستان مداوم، سیاست‌ها و اهداف کوتاه مدت را در دستور کار قرار داده و منابع و فرصت‌های گسترده‌ای به نفع این سازمان‌ها و نیروها برای جلوگیری از به هم زدن بازی گسیل نمود. تکاپوی تسلط بر منابع و رانت‌های قدرت و ثروت در سپهر اقتصاد سیاسی

عراق موجد شکل‌گیری چرخه بحران و چالش‌های ساختاری فراوانی فراروی توسعه ملی در این کشور گردیده است. تضعیف و ناکارکردی نهادهای سیاسی-اقتصادی را می‌توان اولین و مهم‌ترین پیامد رویه یاد شده در عراق تلقی نمود. نتیجه آن که گسست نهادها در عراق بن‌بست توسعه و فروغلتیدن از بحرانی به بحران دیگر را به مشخصه بارز زندگی روزمره دولت و جامعه در این کشور تبدیل نموده است.

فروپاشی زیرساخت‌ها و تأخیر در بازسازی و احیای آنها، نرخ بالای بیکاری، فقر فلج‌کننده، سیاست‌های حامی پروری، فساد گسترده مالی، گسترش خشونت و منازعات داخلی، نرخ بالای مرگ و میر و در کل تنزل کیفیت حیات اقتصادی-اجتماعی جامعه عراقی را می‌بایست در پرتو اختلال نهادی و استقرار نظم دسترسی محدودی در این کشور مفهوم‌سازی نمود که تاکنون معطوف به پیگیری منافع گروه‌های قدرتمند و بهره‌برداری آنها از ظرفیت‌ها و امکانات مادی، نهادی و معنوی عراق بوده است. توسعه قبل از هر چیز تصمیمی سیاسی است. مادامی که باورها، طرز تلقی و اراده نخبگان و ائتلاف‌های حاکم معطوف به تکوین یک نظم دسترسی محدود برای بهره‌برداری ضد توسعه‌ای از ظرفیت مادی و نهادی موجود باشد، به تعبیر نورث برای حیات مردمان یک پهنه سرزمینی ولو با امکانات و فرصت‌هایی نظیر آنچه عراق در اختیار دارد، نمی‌توان سیمای امیدبخشی در فرارو متصور بود.

منابع

- نورث، سی. داگلاس و دیگران (۱۳۹۵)، در سایه خشونت: سیاست، اقتصاد و مسایل توسعه، ترجمه محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه.
- نورث، سی. داگلاس (۱۳۹۶)، فہم فرآیند تحول اقتصادی، ترجمہ میرسعید مهاجرانی و زہرا فرضی زادہ، تہران، نشر نہادگرا، چاپ نخست.
- Abbas, Hassan (2017), “The Myth and Reality of Iraq’s al-Hashd al-Shaabi (Popular Mobilization Forces): A Way Forward.” A policy paper. Friedrich-Ebert-Stiftung Jordan & Iraq <http://library.fes.de/pdf-files/bueros/amman/13689.pdf> (2017)
- Abbas, S. S., and N. B. Ismail (2017), “Anti-Corruption Strategies in Iraq after 2003: The Challenges Ahead.” *The Social Sciences* 12, no. 11 (2017): 2191-2199
- Aziz, Sardar (2017), “The economic system (s) of the Kurdistan regional government, Iraq.” In *Between State and Non-State*, Palgrave Macmillan, New York, 2017
- Abdullah, Sarwar (2018) “After IS, Iraq’s Major Challenge is Corruption.” Washington Institute for
- Near East Studies, <https://www.washingtoninstitute.org/fikraforum/view/after-is-iraqs-major-challenge-iscorruption>
- Almagtome, A., Shaker, A., Al-Fatlawi, Q., & Bekheet, H. (2019), “The Integration between Financial Sustainability and Accountability in Higher Education Institutions: An Exploratory Case Study”. *International Journal of Innovation, Creativity and Change*, 8(2)
- Al-Hurra (2021), ‘Iraqi Electoral Commission: Initial turnout 41 percent.’. Available at <https://www.alhurra.com/iraq/2021/10/11/%D9%85%D9%81%D9%88>
- Bandiera, Luca, Bledi Celiku, and Ashwaq Natiq Maseeh (2018), “Iraq Economic Monitor-From War to Reconstruction and Economic Recovery”: With a Special Focus on Energy Subsidy Reform. No. 125406. The World Bank, 2018
- Bobseine, Haley (2022), Iraq: A crisis of elite, consensus-based politics turns deadly. September 15, 2022. Pp1-9.

- Costantini, Irene (2018), "Statebuilding in the Middle East and North Africa: The aftermath of regime change". Routledge, 2018
- Cockburn, P. (2013), "Iraq 10 years on: How Baghdad became a city of corruption". Available at: <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/iraq-10-years-on-how-baghdad-became-a-city-of-corruption-8520038.html> (Accessed: 20 July 2013).
- Crocker, Ambassador Ryan (2017), "Report of the Task Force on the Future of Iraq." Achieving Long-Term Stability to Ensure the Defeat of ISIS, Atlantic Council (2017)
- Dodge, Toby. 2019a. "Corruption Continues to Destabilize Iraq." Chatham House, October 1, 2019. <https://www.chathamhouse.org/expert/comment/corruption-continues-destabilize-iraq>
- Dodge, T., Kaya, Z., Luchtenberg, K.N., Mathieu-Comtois, S., Saleh, B., van den Toorn, C., Turpin-King, A. and Watkins, J., (2018), Iraq synthesis paper: Understanding the drivers of conflict in Iraq.
- Dodge, Toby, and Renad Mansour (2020), "Sectarianization and De-sectarianization in the Struggle for Iraq's Political Field." The Review of Faith & International Affairs 18, no. 1
- Haddad, Farnar (2017), "As the war winds down, what next for Iraq." Middle East Insights 170 (2017).
- Haddad, Fanar (2011), Sectarianism in Iraq: Antagonistic visions of unity. Oxford University Press, USA, 2011
- Haggard, Stephan, and James Long2007(), "On Benchmarks: Institutions and Violence in Iraq." Unpublished paper (2007): 1-48
- Hamilton, Alexander (2020), "The political economy of economic policy in Iraq." (2020).
- Hamourziadou, Lily, and Bulent Gokay. "The promised spring: death and

- neoliberalism in Iraq.” Security Dialogues 11, no. 1 (2020): 45-60
- Iraq: Systematic Country Diagnostic(2017),” World Bank, February 3, 2017, <http://documents.worldbank.org/curated/en/54281148727729890/pdf/IRAQ-SCD-FINAL-cleared-02132017>
 - Iraq Bady Count.IBC (2015)
 - Idris, Iffat. (2018), “Inclusive and sustained growth in Iraq”. K4D Helpdesk Report 355. Brighton, UK: Institute of Development Studies
 - Ismael, Tareq Y. and Ismael, Jacqueline S. (2015), Iraq in the Twenty-First Century; Regime change and the making of a failed state. Abingdon, Oxon: Routledge
 - Khan, Mushtaq (2010), “Political settlements and the governance of growth-enhancing institutions.” (2010)
 - Khan, Mushtaq (2017), “INTRODUCTION: POLITICAL SETTLEMENTS AND THE ANALYSIS OF INSTITUTIONS”, African Affairs, 1–20
 - Khan, Mushtaq H(2018), “Political settlements and the analysis of institutions.” African Affairs 117, no. 469 (2018): 636-655
 - Khan, M. (1999), “The Political Economy of Industrial Policy in Pakistan 1947-1971, Department of Economics”, SOAS, University of London, UK
 - Krishnan, N., Olivieri, S., & Lima, L. (2014), IRAQ: The Unfulfilled Promise of Oil and Growth - Poverty, Inclusion and Welfare in Iraq, 2007-2012. The World Bank. http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2015/02/12/000477144_20150212104819/Rendered/PDF/926810v10ESW0P0C0disclosed020110150.pdf
 - Libecap, Gary (2018), D. Douglass C. North: transaction costs, property rights, and economic outcomes. No. w24585. National Bureau of Economic Research, 2018.
 - Mansour, Renad. “Rebuilding the Iraqi State: Stabilisation, Governance and Reconciliation.” European Union, European Parliament’s Committee on Foreign Affairs (2018)

- Mansour, Renad(2018), “Why Iraq’s Elections Were an Indictment of the Elite.” Chatham House, May 18 (2018)
- Mako, Shamiran. (2021), “Subverting Peace: the Origins and Legacies of de-Baathification in Iraq.” Journal of Intervention and Statebuilding 15 (3): xx-xy
- Mako, Shmiran(2019), “Sectarianism, Religious Actors, and the State Institutionalizing Exclusion: De-Ba’thification in post-2003 Iraq”, in Religion, Violence, and the State in Iraq, POMEPS
- STUDIES.
- Nore, Abdul Wahed Jalal, and Ahmad Bashawir Abdul Ghani(2009), “Insurgency, political stability and economic performance in post-Saddam Iraq: An evaluation.” J. Pol. & L. 2 (2009): 103
- North, D. C. (2007), Limited access orders in the developing world: A new approach to the problems of development (Vol. 4359), World Bank Publications
- North, D. C., Wallis, J., Joseph, W., & Barry, R.. (2008), Violence and Social Orders, In: Governance Growth and Development Decision-making. World Bank
- North, D.C., Wallis, J.J., and Weingast, B.R., (2009), Violence and Social Orders: A Conceptual
- Framework for Interpreting Recorded Human History. Cambridge: Cambridge University Press.
- North, D.C., Wallis, J.J., and Weingast, B.R.(2007), Limited Access Orders in the
- Developing World: A New Approach to the Problems of Development. [Online]. Available: http://econweb.umd.edu/~wallis/MyPapers/Limited_Access_Orders_in_the_Developing_WorldWPS4359
- Salloukh, Bassel F. (2019), “From State-Building to State-Fraying Permeability: NSAs in the Post-Popular
- Uprisings Arab World”, POMEPS Studies 34: Shifting Global Politics and the Middle East, <https://pomeps.org/2019/03/15/from-state-buildingto-state-fraying->

- permeabilitynsas-in-the-post-popularuprisings-arab-world
- transparency.org (2019), “Corruption Perceptions Index report, Transparency Internationa” 1, <https://www.transparency.org/en/cpi/2019/results>
 - World Bank (2019), ‘Doing Business Index’, World Bank (Washington, D.C., 2019). Available at <http://www.doingbusiness.org/en/rankings>
 - World Bank (2017), ‘Iraq Systematic Country Diagnostic. February 3, 2017
 - Yousif ,Bassam and Omar El-Joumayle(2022), “The Dynamics of Protest Movements in Iraq: An Institutional Approach.” (2022), The Economic Research Forum (ERF
 - Yousif, Bassam (2016), “Iraq’s stunted growth: human and economic development in perspective.” Contemporary Arab Affairs 9, no. 2 (2016): 212-236.

